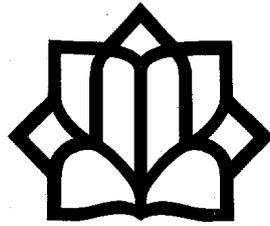


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

سیمای خدا در مثنوی مولانا

استاد راهنما:

آقای دکتر رضا روحانی

به وسیله:

آسیه مهدوی منش

بهمن ماه ۱۳۸۸



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پیوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: آسیه مهدوی منش
شماره دانشجو: ۸۵۲۳۱۱۰۲۰۸

رشته: زبان و ادبیات فارسی
دانشکده علوم انسانی

عنوان پایان نامه: سیمای خدا در مثنوی

تعداد واحد پایان نامه: ۴
تاریخ دفاع: ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۸۸/۱۱/۲۸ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{۱۹۱}{۲۰۰}$ و با درجه $\frac{۱۹۱}{۲۰۰}$ به تصویب رسید. به تصویب هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر رضا روحانی	استادیار	
۲. استاد مشاور	دکتر علیرضا فولادی	استادیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر رضا شجری	دانشیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر حسین حیدری	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر حسین قربانپور	استادیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب راوندی

کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۱۱۶۷

تلفن: ۵۵۳۰۱۵ - ۵۵۳۰۱۵

http : www.kashanu.ac.ir

تقدیم به:

استاد عزیزم زنده یاد دکتر علی حسین پور

و

پدر و مادر مهربانم که زندگی و موفقیت‌هایم را مدیون
محبت‌ها و جانفشانی‌های آنان هستم.

سپاس‌گزاری

بعد از حمد و ستایش خداوند مهربان و درود و سلام بر محمد(ص) و آل طیبین و طاهرینش، او را سپاس‌گزارم که بر من منت نهاد و فضل خود را شامل حال این بنده ضعیف خود کرده، او را یاری نمود تا پژوهش حاضر را در زمینه اسماء و صفات مبارکش به انجام رساند.

قبل از هر چیز یاد استاد عزیزم **دکتر علی حسین پور** را گرامی می‌دارم و برای ایشان علو درجات را از درگاه خداوند خواستارم.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از همه اساتید و عزیزانی که به نوعی در تدوین این پایان‌نامه یاری‌ام کرده‌اند، سپاس‌گزار باشم.

ابتدا از استاد عزیز و گرانقدرم **جناب آقای دکتر روحانی** تشکر می‌کنم که از آغاز دوره کارشناسی، از وجود پر محبت ایشان بهره‌ها برده‌ام و با راهنمایی‌های ارزشمندشان در تدوین پژوهش حاضر مرا یاری نموده‌اند.

از استاد فاضل و فرزانه دیگرم، **جناب آقای دکتر فولادی** که زحمت مشاوره این جانب را بر عهده داشته‌اند قدردانی می‌کنم.

همچنین از اساتید ارجمند دیگرم آقایان **دکتر شجری** و **دکتر حیدری** که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده داشته و **آقای دکتر قربان پور** که از طرف تحصیلات تکمیلی دانشگاه ناظر جلسه بوده‌اند سپاس‌گزاری می‌کنم.

از خانواده عزیزم، و علی‌الخصوص **مادر و پدر مهربانم** که محیطی مساعد و همراه با آرامش را فراهم نموده‌اند سپاس فراوان دارم.

همچنین از آقایان **امیر حسین** و **احمد زاهدی مبینی** که زحمت تایپ پایان‌نامه را بر عهده داشته‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم، و آرزوی توفیق روز افزون و سلامتی پایدار برای همگان را از خداوند بزرگ و مهربان خواستارم.

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «سیمای خدا در مثنوی» به بررسی و معرفی اسما و صفات خداوند در اثر سترگ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی می‌پردازد، که در یک بخش اصلی، با مقدماتی در ابتدا و دو پیوست در انتهای کار تنظیم شده است. مقدمات پژوهش به مباحث نظری مربوط به اسما و صفات از منظر مولانا در مثنوی اختصاص یافته، و بخش عمده تحقیق با عنوان «اسما و صفات خداوند در مثنوی»، توضیح و شرح و تبیین اسما و صفات الهی در مثنوی است که با استفاده از قرآن، ادعیه و آرای صاحب‌نظران تدوین شده است. پیوست‌های پژوهش نیز به اسامی کم‌کاربرد و اسما و اوصاف الهی با کاربرد خاص مولانا اختصاص دارد. نگارنده در پژوهش حاضر اساس و مبنای دسته‌بندی اسما را بر نود و نه اسمی قرار داده که به وسیله شیعه و اهل سنت از پیامبر(ص) روایت شده است. این پایان‌نامه نشان می‌دهد که مثنوی یک خدانامه است چرا که مولانا در این کتاب خداوند را هم بسیار یاد کرده و هم به نام‌ها و اوصاف گوناگون و متنوعی (از اسمای مروی از پیامبر(ص) گرفته تا نام‌های موجود در ادعیه و یا نام‌هایی که کاربرد آن‌ها مخصوص خود اوست) خوانده است. مولانا هستی را مظاهر و تجلیات خداوند و یاد و نام او می‌داند و اسما و صفات خداوند را با ذات او یگانه می‌شمارد، در نگاه او، وصف و درک حقیقت اسما و صفات الهی نیز با شناخت ذات خداوند برابری می‌کند. او ابزارهای حسی و عقل را برای درک حقیقت کافی نمی‌داند. از نظر مولانا تهذیب درون و متخلق شدن به حقیقت اسما و صفات الهی می‌تواند راه‌گشای سالکان در کسب معرفت و رسیدن به حقیقت و فنای در او باشد. مولانا با توصیف و تعریف چند جانبه اسما و صفات خداوند در مثنوی به تبیین و معرفی زیبا و ظریفی از سیمای خداوند پرداخته است.

کلمات کلیدی: مولوی، مثنوی، خدا، اسما الهی، صفات الهی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۳.....	شرح تحقیق
۶.....	کلیات و مقدمات
۷.....	لفظ و معنی، اسم و مستما
۱۰.....	توقیفیت اسماء
۱۴.....	عدد اسمای الهی
۱۵.....	اسم اعظم
۱۸.....	ذات، اسما و صفات
۲۴.....	نسبت ذات و صفات
۲۶.....	شناخت یا عدم شناخت ذات، اسماء و صفات
۳۰.....	مظاهر اسما و صفات الهی
۳۴.....	اتحاد ظاهر و مظهر
۳۸.....	اسماء و صفات خداوند در مثنوی
۳۹.....	احد
۴۰.....	أعلى
۴۲.....	الله
۵۰.....	أمر
۵۴.....	اول و آخر
۵۵.....	باقی
۵۹.....	بدیع
۶۲.....	بصیر
۶۷.....	توآب
۶۹.....	جبار
۷۲.....	جلیل

٧٤.....	جميل
٧٥.....	جواد
٧٨.....	حفيظ
٨٤.....	حق
٨٨.....	حكم
٩١.....	حكيم
٩٣.....	حليم
٩٦.....	حى
٩٩.....	خاتم
١٠١.....	خالق
١٠٦.....	خير
١١٠.....	راد
١١٢.....	رازق
١١٤.....	رافع
١١٧.....	رايى
١١٩.....	رب
١٢٣.....	رحمان
١٢٥.....	رحيم
١٢٩.....	رزاق
١٣٢.....	ساقى
١٣٣.....	سبحان
١٣٦.....	ستار
١٣٨.....	سميع
١٣٩.....	شارح
١٤٠.....	شاهد
١٤٢.....	صانع
١٤٤.....	صمد
١٤٧.....	عدل

١٤٩.....	عزیز.....
١٥١.....	عَفُوٌّ.....
١٥٣.....	علیم.....
١٦١.....	غفور.....
١٦٣.....	غنی.....
١٦٦.....	فَتَّاح.....
١٦٨.....	فرد.....
١٧٠.....	فَعَال.....
١٧٢.....	قادر.....
١٧٤.....	قاهر.....
١٧٦.....	قدیم.....
١٧٨.....	قرب.....
١٨٠.....	کاشف.....
١٨٢.....	کریم.....
١٨٦.....	لطیف.....
١٩٠.....	ماکر.....
١٩٢.....	مُبَدِّل.....
١٩٤.....	مبلی.....
١٩٦.....	متکبّر.....
١٩٧.....	مجیب.....
١٩٩.....	مجید.....
٢٠١.....	مجیر.....
٢٠٣.....	مرید.....
٢٠٦.....	مسبب.....
٢٠٨.....	مستعان.....
٢١٠.....	مشتری.....
٢١١.....	مُصْلِح.....
٢١٢.....	مصورّ.....

۲۱۵.....	مُطَهَّر
۲۱۷.....	مُفْضِل
۲۱۹.....	مُقَلَّب
۲۲۰.....	مَلِك
۲۲۵.....	مُلْهَم
۲۲۷.....	مَنَادِي
۲۲۸.....	مَنَان
۲۲۹.....	مَوْحِي
۲۳۲.....	مُؤْمِن
۲۳۴.....	مُهَيْب
۲۳۶.....	نَاصِر
۲۳۹.....	نَافِخ
۲۴۰.....	نُور
۲۴۶.....	وَاحِد
۲۴۸.....	وَدُود
۲۵۳.....	وَلِي
۲۵۵.....	وَهَّاب
۲۶۱.....	پیوست ۱
۲۸۲.....	پیوست ۲
۲۹۱.....	نتیجه گیری
۳۲۳-۲۹۴.....	فهرست ها
۲۹۴.....	فهرست آیات
۳۰۳.....	فهرست احادیث عربی
۳۰۵.....	فهرست احادیث فارسی
۳۰۶.....	فهرست تفصیلی
۳۲۴.....	منابع و مآخذ

مقدمه

مثنوی مولانا، کتاب توحید و یگانه پرستی است. کتابی راهنما و هدایتگر که همچون نقشه‌ای برای رفتن به سمت خدا، و پله پله تا ملاقات خدا سالکان را با کمترین هزینه و کمترین گمشدگی و سرگشتی هدایت می‌کند.

به پیروی قرآن هادی هدایت‌شدگان و گمراه‌کننده گمراهان است: «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا»^۱ (۲۶/۲).

مولانا، خود در دیباچه‌های دفاتر شش‌گانه مثنوی با بیان‌های گوناگون به توصیف کتاب خویش می‌پردازد و آن را چراغ هدایت، بهشت دل‌ها، سفری به سوی خدا، دکان وحدت، ستاره آسمان در شبستان دنیا و... می‌نامد.

از میان تمامی اوصافی که مولانا برای مثنوی به کار می‌برد توصیف او در دیباچه دفتر اول خواندنی‌تر است: «هَذَا كِتَابُ الْمَثْنَوِيِّ، وَ هُوَ أُصُولُ أُصُولِ الدِّينِ،... وَ أَنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ جَلَاءُ الْأَحْزَانِ، وَ كَشَافُ الْقُرْآنِ، وَ سَعَةُ الْأَرَاذِقِ، وَ تَطْيِيبُ الْأَخْلَاقِ...»: این کتاب مثنوی است که اصول اصول دین است؛ و آن به راستی شفا دهنده سینه‌ها و زداینده اندوه‌ها و آشکارکننده قرآن است، و نیز فراخ‌کننده روزی‌ها و خوش‌کننده خوی‌هاست.^۳

همان‌طور که دیده می‌شود او کتاب خود را کشف‌القرآن نامیده است، و به حق مثنوی آیینۀ تمام‌نمای قرآن است.

یکی از بهترین آیینه‌ها و اسبابی که می‌توان از طریق آن‌ها به سرعت به سمت خداوند گام برداشت و حقیقت و وجود نازنین دوست را دریافت، شناخت اسماء و صفات او و متخلّق شدن به حقیقت آن‌هاست.

با این وصف نگارنده در پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی اسماء و صفات خداوند در تفسیر عرفانی قرآن، یعنی مثنوی بپردازد.

بررسی اسما و صفات خداوند موضوعی است که کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری به طور مستقل یا جزئی درباره آن نگاشته شده اما بررسی و شرح و تحلیل این موضوع از دید مولانا در مثنوی، موضوعی است که این پژوهش سعی دارد تا حد و مرز آن و کم و کیف آن را مشخص نماید. همچنین سعی بر این است تا به نام‌های منقول خداوند در قرآن و ادعیه و یا به

^۱ . مولانا در دیباچه دفتر اول این قسمت از آیه قرآن را درباره مثنوی به کار می‌برد.

^۲ . برای تفصیل بیشتر درباره نام‌گذاری‌های مثنوی از سوی مولانا ر.ک: مقدمه کتاب مکاشفات رضوی، ص ۱۲-۲۲.

^۳ . همان، ص ۱۵.

عبارت بهتر به امهات اسمای خداوند در مثنوی پرداخته شود و موضع معرفتی مولوی درباره آن‌ها تبیین گردد.

مثنوی معنوی سراسر یاد و نام و وصف خداوند است، و برای مولانا همه چیز در کائنات تداعی‌کننده نام‌ها و اوصاف اوست.

نگارنده بعد از بیان مقدماتی که شامل شرح تحقیق و کلیات و توضیحاتی غالباً کلامی درباره اسماء و صفات الهی از نظر مولوی است، در بخش دوم تحقیق به کشف و شرح و تبیین اسماء و صفات خداوند در مثنوی می‌پردازد. اما جستجو و مشخص کردن تمامی نام‌هایی که مولانا با آن‌ها خداوند را خوانده است کاری دشوار می‌نماید.

از این رو در پیوست دوم پژوهش با توجه به فرصت نگارنده و مجال این پایان‌نامه به برخی از کاربردهای خاص مولانا از اسماء و صفات الهی نیز پرداخته شده است.

لازم به ذکر است ابیات به کار رفته در مقدمات و متن به گونه‌ای است که گاه می‌توان هر بیت را برای دو یا سه عنوان به کار گرفت و مقصود لازم را از آن ابیات برداشت کرد و ما به دلیل عدم تکرار تنها ابیاتی که وضوح بیشتری در مبحث مورد نظر داشته‌اند، ذیل هر عنوان دسته‌بندی کرده و موارد دیگر و فرعی را به موارد و مدخل‌هایی اصلی‌تر ارجاع داده‌ایم.

شرح تحقیق

موضوع تحقیق

موضوع تحقیق، جمع‌آوری و بررسی اسماء و صفات خداوند در مثنوی شریف مولانا جلال الدین محمد رومی است. در این تحقیق تعداد و نحوه به کارگیری این اسماء و صفات و معانی آنها در مثنوی بررسی شده است.

پیشینه تحقیق

تا آنجا که بررسی شده، درباره خداشناسی مولوی مقالات و مباحثی وجود دارد. اما تاکنون هیچ کار تحقیقی مفصل و مستقلی در این زمینه (اسما و صفات الهی در مثنوی) انجام نگرفته است. البته پایان‌نامه‌ای در سال ۸۵ با عنوان «سیمای خدا در آثار نظامی» در دانشگاه کاشان نوشته و دفاع شده است.

اهداف تحقیق

در پایان‌نامه سعی شده، تا به معرفی اسماء و صفات الهی بر اساس دیدگاه عرفانی مولوی با توجه به منابع قرآنی، حدیثی و ادعیه پرداخته شود. همچنین بررسی گستره به کارگیری اسماء و صفات خداوند در مثنوی (از نظر تعداد و تکرار) و نحوه اثرپذیری مولانا از اسماء الهی در ساختار ادبی - عرفانی مثنوی از دیگر اهداف این تحقیق بوده است.

اهمیت و ارزش تحقیق

نظر به اینکه دانستن و به کارگیری معانی هر یک از اسماء خداوند در شناخت ذات او نقش به‌سزایی دارد، برای شناخت خداوند و نیز شناخت بهتر و بیشتر مثنوی - به عنوان یکی از متون اصلی ادبی و عرفانی فارسی - این کار ضرورت دارد. از نتایج تحقیق حاضر در درس عرفانی و الهیاتی می‌توان بهره گرفت.

فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق

در سراسر پژوهش حاضر سعی شده است تا به این سؤالات پاسخ داده شود:

- چه تعداد از اسماء و صفات خداوند در مثنوی به کار رفته است؟

- مولوی اسماء و صفات الهی را در چه مواردی به کار گرفته و چه معانی‌ای از آن‌ها مراد کرده است؟
- مولوی به کدام اوصاف و اسمای خداوند گرایش بیشتر دارد و چرا؟
- مولانا نظر کدام یک از بزرگان اهل سنت یا شیعه امامیه را در مورد تعداد اسماء الله قبول دارد؟ و آیا خود نظریه جدیدی دارد؟

روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده است. از این رو نگارنده پس از جستجو و یافتن ابیات مربوط در مثنوی، به دسته‌بندی آن‌ها ذیل اسماء مرتبط اقدام کرده است. در مقدمات کار سعی شده تا مباحث کلی مطرح شده در فلسفه و کلام اسلامی درباره خداشناسی همانند اسم و مسما، توقیفیت اسماء، عدد اسمای الهی و ... از دید مولانا در مثنوی مورد بررسی قرار گیرد.

سپس در بخش عمده تحقیق، هر یک از اسمای خداوند از نظر تعداد و نحوه کاربرد در مثنوی مورد بررسی واقع شده است. در شرح و بسط هر اسم، سعی بر این بوده تا معنا و مفهوم دقیقی از این اسامی با استفاده از کتب قرآنی و ادعیه و شرح الاسماء به دست داده شود؛ و در ذیل هر اسمی یک آیه یا بندهایی از دعای جوشن کبیر که مرتبط با همان اسم بوده ذکر شده است. در توضیح و تبیین ابیات مربوط به هر اسم نیز روند کار چنین است که ابیات مهم‌تر بررسی، توضیح و گاه تحلیل شود و سایر موارد - با توجه به قابل احصا و ارجاع بودن - ارجاع داده شود، علاوه بر این عناوین مثنوی که مشتمل بر آیه یا حدیثی بوده و یا با ابیات مربوط به اسماء ارتباط تنگاتنگی داشته مورد بحث و بررسی واقع شده است.

در عین حال سعی شده ضمن تبیین دیدگاه مولانا در مورد هر یک از اسما و صفات خداوند، از آرای پیشینیان همچون سمعانی (در روح الارواح) ابن عربی (در کشف المعنی)، فخر رازی (در لوامع البینات)، حکیم سبزواری (در شرح الاسماء) و شروح مثنوی که در فهم بهتر مراد مولوی از اسماء و صفات الهی مفید بوده استفاده شود و گاه مورد تطبیق واقع گردد.

همچنین در مواردی از اثر دیگر مولانا یعنی فیه ما فیه که در توضیح بهتر و بیشتر مفاهیم مورد نظر او فایده داشته استفاده شده است.

اساس و مبنای کار در تدوین بخش اصلی پایان‌نامه بر ۹۹ اسم شیعه و سنی مروی از پیامبر (ص) است. اسمای منقول مشترک میان شیعه و اهل سنت با علامت اختصاری (م) و

اسمای روایت شده از طریق اهل سنت با علامت اختصاری (س) و اسمای روایت شده از طریق اهل تشیع با علامت اختصاری (ش) به همراه هر نام مشخص شده است. ذکر نشدن علامت اختصاری به همراه اسمای دیگر بدین معناست که این اسما یا جزء ۱۰۰۱ اسم دعای جوشن کبیر و دیگر ادعیه بوده و یا این که اسم فاعل صفت‌های فعلی منسوب به خداوند در قرآن کریم است. همچنین مبنای ما در کاربرد اسم فاعل از صفت‌های فعلی کتاب دکتر محمد باقر محقق با عنوان *اسماء و صفات الهی (فقط)* در قرآن است که به بررسی کلیه اسم‌ها و صفت‌های الهی اعم از فعلی، اسمی یا هر دو در قرآن کریم پرداخته است.

در شرح و بررسی اسماء و صفات مذکور، اسامی غیر مشهور یا کم‌کاربرد ذیل اسامی (مدخل‌های) اصلی‌تر، یا به عبارتی پر کاربردتر شرح شده البته این اسامی با هم ارتباط معنایی نزدیکی نیز داشته‌اند، از این رو، برخی مدخل‌ها ذیل مداخل اصلی‌تر بحث شده است. برای سهولت کار خواننده یا مراجعه‌کننده در جستجو و یافتن اسامی و اوصاف، پژوهش حاضر به صورت فرهنگی (و الفبایی) تنظیم شده، و فهرستی مدخل‌ها و اسم‌های اصلی مشروح در ابتدای پژوهش ذکر شده است.

از آن‌جا که برخی از اسماء و صفات الهی به تعداد بسیار معدود و انگشت‌شماری در مثنوی به کار رفته و به معنا و مفهوم آن‌ها چندان پرداخته نشده، این اسامی به صورت پیوست اول، در آخر پایان‌نامه تنظیم شده است.

در دومین پیوست، با عنوان «اسامی و اوصاف با کاربرد خاص مولانا» نیز نام‌هایی قرار داده شده که کاربرد خاصی در مثنوی داشته و خداوند، بدین معانی در هیچ یک از منابع قرآن و سنت، نامیده نشده است.

برای شماره و متن ابیات مثنوی، از مثنوی معنوی تصحیح استاد نیکلسن استفاده شده است.

کلیات و

مقدمات

لفظ و معنی، اسم و مسمّا

برای ورود به حوزه اسماء و صفات الهی و علی‌الخصوص چگونگی الفاظ اسماء با حقیقت و معنای آن‌ها از منظر مولانا لازم است قبل از هر چیز به دیدگاه مولانا درباره لفظ و معنی پرداخته شود. بدین منظور سعی شده است در ابتدا با آوردن مثال و نمونه‌هایی از مثنوی به این مبحث پرداخته شود.

در مثنوی «لفظ» به آشیانه پرنده (وکر) و «معنی» به پرنده تشبیه شده و مولانا معتقد است هر نامی در آغاز، شامل مفهومی ناب بوده اما بعدها از مفهوم خود خالی شده‌اند:^۱

لفظ، چون وکرسست و، معنی طایرست جسم، جوی و، روح، آب سائرست

(۳۲۹۱/۲)

همچنین هر نام، صافی داشته‌ست اسم را چون دُریدی بگذاشته‌ست

(۳۵۷/۵)

مولانا در بیان تفاوت لفظ و معنی و اصالت معنی، دو نام مؤمن و منافق را مثال می‌آورد و می‌گوید، حقیقت این نام‌هاست که باعث تشریف یکی و زشتی و کراهت دیگری شده است. او حرف را به ظرف و معنی را به آب درون آن تشبیه می‌کند و معتقد است همان‌طور که تلخی یا شیرینی آب به ظرف آن هیچ ارتباطی ندارد زشتی و زیبایی، و خوبی و بدی الفاظ هم به معانی نهفته در درون آن‌ها بستگی دارد. او تمامی معانی و دریای معنویات را نزد خداوند می‌داند و از آن به أمُّ الْکِتَاب تعبیر می‌کند:

نام او^۲ محبوب از ذاتِ وی است نام این مبعوض از آفاتِ وی است

میم و واو و میم و نون، تشریف نیست لفظِ مؤمن، جز پی تعریف نیست

گر منافق خوانی‌اش این نامِ دون همچو کژدم می‌خَلد در اندرون

گر نه این نام اشتقاقِ دوزخ است پس چرا در وی مذاقِ دوزخ است؟

زشتی آن نامِ بد، از حرف نیست تلخی آن آبِ بحر، از ظرف نیست

حرف، ظرف آمد در او معنی چو آب بحرِ معنی، عِنْدَهُ أمُّ الْکِتَاب

(۲۹۶_۲۹۱/۱)

مولانا در دفتر دوم، معنی یا به تعبیر او همان حقیقت را یکی می‌داند که افراد به الفاظ گوناگون آن را بیان می‌کنند و در عین حال ظرف کلمات را بسیار تنگ و محدود می‌داند به طوری که معنی و حقیقت بسیار گسترده در آن نمی‌گنجد و برای مدعای خود حدیث پیامبر را

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: شرح جامع مثنوی معنوی، ج ۵، ص ۱۱۴.

۲. منظور از او «مؤمن» است.

می آورد که فرموده‌اند: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ بِصِفَاتِهِ طَالَ لِسَانُهُ وَمَنْ عَرَفَ اللَّهَ بِذَاتِهِ كَلَّ لِسَانُهُ: هر که خدا را به صفاتش شناسد، زبانش گویا شود و هر که خدا را به ذاتش شناسد زبانش خموش گردد.»^۱

آن دو اُشتر نیست، آن یک اُشترست
لفظ در معنی همیشه نارسان
نطق، اسطرلاب باشد در حساب
خاصه چرخ کین فلک زو پره‌ای است
تنگ آمد لفظ، معنی بس پُرس
ز آن پیمبر گفت: قَدْ كَلَّ لِسَانَ
چه قَدَر دانند ز چرخ و آفتاب؟
آفتاب از آفتابش ذره‌ای است

(۳۰۱۲/۲ - ۳۰۱۵)

و بدین ترتیب اختلاف میان خلائق را ناشی از اختلاف در نام‌ها و الفاظ می‌داند و می‌گوید:

اختلافِ خلق از نام اوفتاد
چون به معنی رفت، آرام اوفتاد

(۳۶۸۰/۲)

او در دفتر اول مثنوی، معنی را همان خداوند می‌داند و می‌نامد و موجودیت هر چه در عالم هستی است، همچنین حرکت و جنبش کائنات را تماماً از این معنی نهفته در صورت عالم می‌داند و می‌گوید:

پیش معنی چیست صورت؟ بس زبون
چرخ را معنی می‌دارد نگون

(۳۳۳۰/۱)

گردش این قالب همچون سپر
گردش این باد از معنی اوست
جرّ و مدّ و دخل و خرج این نفس
گاه جیمش می‌کند، گه حا و دال
همچنین این باد را یزدان ما
باز هم آن باد را بر مؤمنان
گفت: المعنى هو الله، شیخ دین

(۳۳۳۲/۱ - ۳۳۳۸)

در میان مباحث مختلفی که درباره اسما و صفات حق تعالی مطرح می‌شود، موضوع عینیت اسم و مسما از مباحث اصلی و مهمی است که هر یک از عرفا، حکما و اهل کلام دیدگاه خاص خود را در این خصوص بیان داشته‌اند.

۳. برگرفته از شرح مثنوی معنوی شاه داعی، ج ۱، دفتر دوم، ص ۵۴۹.

از فرق عمده کلامی و غالب اهل سنت حنبلی و اشعری به عینیت اسم با مسمایشان باور داشته‌اند اما معتزله و شیعه در موضع مخالف ایستاده‌اند.^۱

اکثر عرفا همچون ابن عربی معتقدند: «نام‌های قدیم خدا که حق تعالی خود را با آن‌ها یاد می‌کند اشتقاق، تقدم، تأخر، کیفیت، حد و حدود ندارد و از همه عوارض ماهیات امکان بیرونند. اما نام‌هایی که در دست ماست و با آن‌ها خدا را می‌خوانیم در حقیقت نام‌های نام‌هاست؛ یعنی: مفهوم اسم‌اند «اسم‌الاسم» و از نام‌های معانی اشتقاق یافته و از قبیل معانی واقعی حقیقی خارجی نمی‌باشند، و حتی ممکن است نام‌های معانی نیز از همین نام‌های اسما اشتقاق یافته و «اسماء‌الاسماء» باشند؛ یعنی ممکن است نام‌هایی که در دست ماست و آن‌ها را می‌خوانیم نیز از همان نام‌ها برگرفته شده باشند نه از اسمای قدیم واقعی حقیقی خارجی؛ بنابراین کسی که می‌گوید اسم غیر مسمی است مرادش همین اسماء‌الاسماء است؛ زیرا این نام‌ها مشتق الفاظ و القابند و کسی که می‌گوید: اسم همان مسمی است منظورش همان اسمای حقیقی قدیم و خارجی است؛ زیرا وحدانیت ذات، اسما و صفات جایی بر تعدد ذات و اسما باقی نمی‌گذارد.»^۲

مولانا در دفتر چهارم مثنوی صفات سمیع، بصیر و علیم را - که به صراحت در قرآن به خداوند اطلاق شده و کلیه فرق اسلامی آن را از ائمه سبعة یا امهات اسما (حی، قدیر، علیم، بصیر، سمیع، مرید، متکلم) می‌دانند- اسم علم خداوند نمی‌داند و به عبارت بهتر به عینیت مسمای آن‌ها با این اوصاف قائل نیست و صرف تداول زبانی را برای اثبات عینیت کافی نمی‌داند، چنان‌که به گفته وی، در عرف زبان، اسم و مسمای گاه نامتناسب و گاه حتی متضاد وضع شده‌اند:

در جهان باژگونه زین بسی است در نظرشان گوهری کم از خسی است
مر بیابان را مفازه نام شد نام و رنگی عقلشان را دام شد

(۱۴۷۲/۲-۱۴۷۳)

او این اسم‌ها - سمیع و بصیر و علیم - را الفاظی حادث و مخلوق می‌داند که از صفات قدیم و ازلی خداوند مشتق شده‌اند، و در عین حال اسمای خداوند را خالی از حقیقت نمی‌داند، چرا که اگر اسمای الهی مانند اسمای متداول مردم (نعوذ بالله) به کلی عاری از مسمای خود باشد مایه طنز و هزل می‌شود و خداوند پاک و برتر است از آنچه درباره او بگویند:

^۱. رک: دلیل آفتاب، ص ۳۰.

^۲. کشف المعنی، ص ۱۷-۱۸.

از پی آن گفت حق خود را بصیر
از پی آن گفت حق خود را سمیع
از پی آن گفت حق خود را علیم
نیست این‌ها بر خدا اسم عَلَم
اسم، مشتق است و اوصافِ قدیم
ورنه، تَسْخُرُ باشد و طنز و دها
یا عَلَم باشد حیی^۱ نام وقیح
طفلک نوزاد را حاجی لقب
گر بگویند این لقب‌ها در مَدیح
تَسْخُرُ و طنزی بُود آن یا جُنون

که بود دید ویات هر دم نذیر
تا ببندی لب ز گفتار شنیع
تا نیندیشی فسادی تو ز بیم
که سیئه، کافور دارد نام هم
نه مثالِ عَلْتِ اُولی سقیم
کَرَّ را سَامِع، ضریران را ضیا
یا سیاه زشت را نام صَبیح
یا لقب غازی نهی بهر نَسَب
تا ندارد آن صفت، نَبود صحیح
پاک، حق عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ

(۲۲۴-۲۱۵/۴)

مولانا معتقد است نباید به اسم اکتفا کرد بلکه هرگاه اسم را بر زبان جاری ساختی باید به دنبال مسمای آن باشی و در این باره تمثیل عکسِ ماه در آب جو را می‌آورد:

اسم خواندی رو مسمی را بجو
مَه به بالا دان، نه اندر آب جو
گر ز نام و حرف خواهی بگذری
پاک کن خود را ز خود، هین یکسری

(۳۴۵۷/۱-۳۴۵۸)

و بدین ترتیب راه گذشتن از حروف و نام‌ها و رسیدن به عالم معنا را، پاک شدن از اوصاف بشری و مادی می‌داند.

توقیفیت اسماء

بحث یا سؤال دیگر آن است که آیا انسان مجاز است نام‌ها و صفاتی را مطابق با ادراک خود به خداوند نسبت دهد و خداوند را با آن‌ها بنامد و یا این که اسماء الله توقیفی‌اند، یعنی باید در اطلاق آنها بر خداوند اذن شرعی رسیده باشد؟

اصل توصیف خداوند به نام‌هایی که در قرآن وارد شده و یا در احادیث معتبر آمده، نظر مقبول همه متکلمان است؛ هر چند گروهی از آنان معنای ظاهری آن اسما را تأویل می‌کنند. همین‌طور در عدم توصیف خداوند به اسما و صفاتی که مورد نهی متون اسلامی است، اتفاق نظر وجود دارد، ولی اختلاف نخست در این است که با وجود محدودیت‌ها و نقص‌های شناختی، آیا ما قادر به توصیف او به نام‌های نیکو(حسنی) غیر از نام‌های مذکور در قرآن،

^۱. حیی: با شرم و حیا.